

بررسی تطبیقی فلسفه تعلیم و تربیت از دیدگاه کمنیوس و ابو علی سینا

صدیقه خدا بنده^{۱*}، حمید رضا علوی^۲

۱. دانشجوی دکترای تخصصی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی رازی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران
 ۲. دکترای تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت، استاد، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

• پذیرش مقاله: ۹۳/۶/۹

• دریافت مقاله: ۹۳/۵/۱۱

کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی^(۲). ابن سینا مهمترین و اصلی ترین هدف تعلیم و تربیت را رسیدن فرد و جامعه به سعادت و کمال می داند. از نظر وی مهمترین نوع آموزش و پرورش، آموزش عقلی است که در حقیقت پرورش ذهن انسان است. او تعلیم و تربیت را رشد عقل و راهی برای رسیدن به خدا می دانست^(۳).

ابن سینا به تربیت اخلاقی بیشتر توجه دارد و تربیت دینی را برای موفقیت و تربیت اخلاقی لازم می داند و منظورش از تربیت اخلاقی، بار آوردن مردان و زنانی است که عقیف و دارای اراده قوی باشند، فضیلت را دوست بدانند و در کارها و اعمالشان، رضایت خدا را در نظر بگیرند. وی معتقد است که باید عادات خوب را هر چه زودتر، پیش از آنکه عادت های زشت پیدا شوند، در کودک ایجاد کنیم و در اینگونه موارد اگر لازم شد کودک را تنبیه یا مجازات هم باید کرد^(۴). ابن سینا به روشنی مرحله ی اول تعلیم و تربیت را که در خانه صورت

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران با کمک فلسفه تربیت می توان تربیت را در حیطه عمل و نظر هماهنگ و بامعنا ساخت. بنابراین، فلسفه تربیت، معرفتی است نظری برای راهگشایی خردمندانه در عمل تربیتی و اندیشیدن درباره غایات و بررسی نتایج آن به منظور معرفی بنیادهای تربیت درست، منسجم، هماهنگ، و جلوگیری از بروز تضاد و تناقض در نظر و عمل تربیت. بررسی و اندیشیدن در نظر فلاسفه بزرگ و مطرح در امر تعلیم و تربیت یکی از راههای مهم و اثربخش در فهم بهتر این مهم است^(۱).

در میان فیلسوفان اسلامی معروف، نخستین کسی که به میزان قابل توجهی به مسأله تعلیم و تربیت پرداخته، ابن سینا است. او به طور خاص در کتاب تدبیر المنازل به مسأله تعلیم و تربیت می پردازد. از نظر وی تعلیم و تربیت عبارت است از برنامه ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شئون اجتماعی برای وصول انسان به

مانند علوم دیگر باید از راه تجربه و تعقل مریدان همه کشورها و مبادله تجارب میان آنان تکامل یابد. از این بابت کمینوس را پیام آور صلح و تفاهم بین المللی و نخستین طراح سازمانی دانست که در قرن بیستم به صورت سازمان‌های جهانی آموزش و پرورش نظیر «دفتر بین المللی تعلیم و تربیت» و «سازمان علمی و تربیتی و فرهنگی سازمان ملل متحد» به تحقیق پیوست (۲).

کمینوس همچنین نخستین کسی است که به تعیین مراحل آموزش پرداخته است. وی برای تحصیل علم چهار دوره را از هم تفکیک می‌کند، از تولد تا شش سالگی: تربیت در خانواده و کودکان؛ از شش تا دوازده سالگی: تربیت در مدارس ابتدایی یا «مدرسه زبان مادری»؛ از دوازده تا هجده سالگی: تربیت در مدارس متوسطه یا «مدرسه لاتین» یا «ژیمنازیوم»؛ از هجده تا بیست و پنج سالگی: تربیت در مدارس عالی یا دانشگاه‌ها و سیر و سفر (۲). کمینوس اصول تعلیم و تربیت خود را از مطالعه‌ی طبیعت به دست آورد. او از طبیعت و شناخت قوانین آن به عنوان کلید خدانشناسی یاد کرده است. مایر (۱۳۷۴) در توضیح اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه کمینوس به شرح نه اصل پرداخته است. اصول نه‌گانه‌ی مایر به‌طور خلاصه عبارتند از: طبیعت موقع مناسب را رعایت می‌کند، پس تربیت نیز باید در بهار زندگی یعنی در دوران کودکی انجام گیرد. طبیعت پیش از آن‌که صورتی به وجود آورد ماده آنرا فراهم می‌کند، پس در تربیت نیز باید کتاب‌ها آماده شوند؛ مطالب سخت ابتدا با اشیاء فهمانده شوند و سپس از طریق زبان؛ طبیعت موضوع مناسبی را برای عمل کردن انتخاب می‌کند، پس در تربیت نیز باید پیش از آغاز تحصیل ذهن دانش‌آموز را آماده کرد و استمرار تحصیلی وجود داشته باشد؛ طبیعت در عملیات خود آشفته نمی‌شود بلکه در سیر خویش به پیش، از یک نقطه به نقطه دیگر گام برمی‌دارد، پس در مدرسه‌ها باید طوری سازمان داده شوند که هر شاگردی در هر زمان معین فقط یک موضوع درسی داشته باشد؛ در تمام عملیات طبیعت پیشرفت از درون است، پس شاگرد باید

می‌گیرد از مرحله ی دوم که در مکتب زیر نظر یک معلم صورت می‌گیرد تفکیک می‌کند. او بیان می‌دارد که باید به کودک از زمان شیر دادن نظم و انضباط را آموخت، و در واقع نخستین گام‌ها برای آموختن آداب نزاکت و اخلاق، و نیز ساختن شخصیت او (تأدیپ)، در این مرحله، که نخستین مرحله از زندگی انسان است، برداشته می‌شود. از سوی دیگر، آموختن علوم باید از زمانی آغاز شود که بدن کودک رفته رفته شکل کامل خود را پیدا می‌کند. ابن سینا تأکید می‌کند که هر یک از بچه‌ها را باید مورد توجه ویژه قرار داد و به فراخور طبع خاصش بار آورد. به هیچ وجه نباید نوعی برابری کمی را بر همه تحمیل کرد؛ زیرا این کار تفاوت‌های کیفی ای را که در جوهریه ی ذات انسان ریشه دار است و باید با متهای دقت و توجه پرورده و حفظ شود. در این مرحله، مکتب و خانه در کمک به حصول اهداف تعلیم و تربیت اولیه ی کودک، که عبارت است.

از تقویت ایمان، ساختن یک شخصیت مطلوب، تندرستی، آموختن سواد و مقدمات تفکر صحیح و فراگرفتن یک حرفه، شروع به تکمیل یک دیگر می‌کنند (۵). از میان مصلحان تربیتی که در طول زمان پایه به عرصه وجود نهادند، کمینوس در مقامی عالی است و به عنوان یکی از چهره‌های برجسته آموزش و پرورش مغرب زمین در قرن هفدهم محسوب می‌گردد. که از این رو برخی او را «پدر آموزش و پرورش جدید» می‌دانند. مهم‌ترین اثر کمینوس که شامل کلیه نظریات او درباره اصول و روش‌ها و سازمان آموزش و پرورش است «آموزش بزرگ» یا «هنر بزرگ آموزش» نام دارد. کمینوس مدعی بود که اصول آموزش و پرورش را می‌توان با دقت در آنچه در طبیعت می‌گذرد به دست آورد و بر همین اساس ۶ اصل را به عنوان اصول مربوط به شیوه تدریس یا اصول آموزش در مدرسه مطرح نمود. در مجموع کمینوس که به بیدار کردن عقل اجتماع آدمیان و اصلاح جامعه بشری می‌اندیشد و آموزش و پرورش دموکراتیک و انسانی را بهترین وسیله این بیداری می‌داند بر این باور است که: علم تربیت نیز

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که کمنیوس به ترکیب تربیت فراگیر، و اصلاح عمومی و جهانی در دانش، ایمان و اخلاق می‌اندیشید و تربیت را نوری در تاریکی می‌نامید. او توفیق یافت مبانی اخلاقی صلح و نیز زوایای تاریک نظری آن را باز نمایند. ابن سینا معتقد است که اخلاق، خیر و فضیلتی است که در همه امور باید مد نظر باشد و تربیت اخلاقی فرد در جامعه، را تضمین کننده کمال و سعادت او را در دنیا و آخرت می‌داند. سعادت بالاترین چیزی است که انسان به دنبال کسب آن است و هدایت به راه سعادت نیز بالاترین هدایت‌هاست، چرا که شرافت هدایتها به غایاتی است که به آن رهنمون می‌گردند. کمنیوس و ابن سینا مهمترین و اصلی ترین هدف تعلیم و تربیت را رسیدن فرد و جامعه به سعادت و کمال می‌دانند. از دیگر شباهت‌ها در اهداف تربیت اخلاقی این دو فیلسوف کسب اعتدال و میانه روی و کسب فضائل اخلاقی است.

نخست چیزها را درک کند و بعداً آنها را به‌خاطر بسپارد و معلم هم از روش تمام دانش‌ها آگاه باشد؛ در تدریس هر زبان یا علم یا هنر نیز باید از ساده‌ترین جزء آغاز کرد؛ طبیعت جهش نمی‌کند بلکه گام به گام پیش می‌رود، پس در تربیت نیز باید تمام موضوعات درسی با کمال دقت میان کلاس‌ها طوری تقسیم شود که فهم موضوع‌های قبل راه را برای موضوع‌های بعد هموار کند و آنها را روشن سازد؛ طبیعت اگر چیزی را آغاز کند، تا آن را به پایان نرساند از دست نمی‌دهد، پس هرکس به مدرسه می‌رود باید تا زمانی که کاملاً دانا و پرهیزگار شود، تحصیل را ادامه دهد؛ طبیعت با دقت از موانع و چیزهایی که احتمال آسیبی از آن می‌رود پرهیز می‌کند، پس شاگردان باید جز کتاب‌های مناسب خود چیز دیگری دریافت نکنند و کتاب‌ها از نوعی باشند که بتوان حقیقتاً آنها را منبع حکمت و فضیلت و تقوا نامید و به شاگردان در مدرسه و اطراف آن اجازه معاشرت با معاشران بد داده نشود (۲)

References:

1. Hossein L. A new approach in philosophy of education. Quarterly J Educ Innov 2007; 6(20): 11-40. [In Persian]
2. Kardan AM. A Review of training votes in the West. Tehran: Yastroun Publication; 2002. [In Persian]
3. Zibakalam Mofrad F. Education in Philosophy of Avicenna and its comparison with positivism and pragmatism. Qom: Pegah Center; 2001. [In Persian]
4. Shariatmadari A. Principles and philosophy of education. Tehran: Amir Kabir Publications; 2000. [In Persian]
5. Khalili S, Afshar I, Abbasi M. A study of moral education in the perspectives of Avicenna. Med History 2011; 3(8): 141- 72. [In Persian]